

فرآیند اصول آئین دادرسی کیفری جهانی شده از منظر رهیافت‌های بین‌المللی

ولی اله بابایی راد^۱، محمود مالمیر^{۲*}

چکیده

جهانی شدن، فرآیند کنش متقابل و یکپارچگی مردم، سازمان‌ها، نهادها و دولت‌ها در سراسر جهان است. پدیده جهانی شدن خواسته و ناخواسته باعث بروز جرایمی به شکل گسترده‌تر و با پیچیدگی خاص خود در قالب جرائم جهانی بعضاً موجب به خطر انداختن موجودیت سیاسی، اقتصادی و استقلال دول حاکم و انسجام ملت‌ها گردیده است، به گونه‌ای که ناچاراً برای مقابله با این نوع جرائم، جامعه جهانی در صدد تعریف آن و راهکارهای مقابله و اتخاذ سیاست و راهبردهای مشترک از منظر شکلی و توسعه صلاحیت خویش در راستای حل معضل بر آمده است، در نتیجه معاهدات بین‌المللی به عنوان یکی از مهمترین اسناد مورد توافق در این حوزه تلقی می‌شود و کشورهای عضو معاهده از قواعد مورد توافق الزاماً پیروی کرده و سایر کشورها نیز در راستای هماهنگ‌سازی قوانین داخلی خود و جرم‌انگاری برای مقابله با این جرائم هستند. جرائم جهانی سازمان‌یافته که آثار گسترده بر تمام جهان داشته، در قالب مقررات دیوان بین‌المللی کیفری نیز با شرایط مرتبط قابل رسیدگی هستند.

کلید واژه‌ها: جهانی شدن، جرائم جهانی، جرائم، بین‌المللی.

۱. گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول). dr.m.malmir@gmail.com

مقدمه

در این نوشتار، نظر به سمت و سوی جهانی شدن (علیرغم تعدد و کثرت نوع مناطق و حاکمیت ملی هر کشور و شیوه‌های مرتبط با فرهنگ و آداب و رسوم جوامع مختلف) سعی بر آن است تا فرآیند حقوق کیفری فراملی و چالش‌های موجود بر آن مورد واکاوی قرار گرفته است. با مذاقه در موضوع جهانی شدن و با توجه به وسعت مفاهیم و مصادیق در این موضوع، نگارنده قصد دارد، با بررسی رویکرد جامعه‌شناختی و مفاهیم مرتبط با آن در حوزه جامعه‌شناسی، کلیات اثرگذاری و اثرپذیری در حوزه حقوق کیفری فراملی که به جهانی شدن حقوق کیفری تعبیر می‌شود، مورد واکاوی قرار داده تا در حوزه جرائم جهانی از حیث تعریف و رسیدن به مبنای مشترک جهت رسیدگی ماهوی و صلاحیت محاکم داخلی و بین‌المللی و پاسخ کیفری با آن با توجه به ویژگی‌های خاص جرائم جهانی مورد پژوهش قرار گیرد و عمده این جرائم تبیین شود.

به علت فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت کشورها و شرایط ناظر بر جهانی شدن و تعارض با حقوق سرزمینی از یک سو به عنوان حق شهروندی و منافع حکومت‌ها به عنوان حق حاکمیت ملی هر دولت که خود در مفهوم کلی عدالت کیفری تعریف می‌شود، از سوی دیگر، موضوع جهانی شدن حقوق کیفری دشوار به نظر می‌رسد. هر چند که با تعریف جرائم جهانی یا معاهدات دولت‌ها در برخورد با این جرائم از یکسو تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری در جرائم انحصاری چهارگانه آن و الزام خواسته یا ناخواسته دولت‌ها در روابط تنگاتنگ آن‌ها جهت اصلاح قوانین و هماهنگ‌سازی با جامعه جهانی، می‌توان گفت که امکان حصول حداقلی در برخی از جرائم که غالباً مورد قبول جامعه جهانی قرار گرفته‌اند و قواعد ناظر به آن، امیدواری به گسترش این پدیده در جرائم و فرآیند رسیدگی بر مبنای اصولی همگام و نه لزوماً یکسان را بیشتر می‌کند.

۱-۱- پدیده‌ی اجتماعی و جهانی شدن

در جهان متمدن امروز، حقوق بر عرصه‌های مختلف زندگی انسان حاکمیت داشته و به تنظیم روابط انسان‌ها در جوامع انسانی می‌پردازد. پدیده جهانی شدن، برخی از این عرصه‌های زندگی بشری را تحت تأثیر قرار داده است و بالطبع حقوق تنظیم‌کننده روابط در این عرصه‌ها را نیز متأثر ساخته و می‌سازد. اما این تأثیر در عرصه‌های مختلف به یک اندازه نبوده و نمی‌توان حتی در آینده به جهانی شدن حقوق به طور مطلق امید بست.

۱-۲- مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن پدیده‌ای چند وجهی است، متشکل از فرآیندهای پیچیده و مرتبط با هم تحولات فراوانی را به دنبال دارد «مارتین شاو» در تعریف آن می‌نویسد: مجموعه‌ای منظم از فرآیندهای

اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی متفاوت ولی مرتبط که از طریق آن‌ها روابط اجتماعی به سوی قلمرو جهانی با اهداف جهان شمول در طول زندگی بشری سوق یافته است (شاول، ۲۰۰۸، ۲).

این نهاد پروسه یا فرآیندی است که برای فائق آمدن بر مشکلات و موانع پیش روی روابط انسان‌ها با یکدیگر در اثر حوزه‌های اجتماعی و انسانی به صورت مستمر و در طول زمان شکل می‌گیرد. جهانی شدن از دیدگاه کارشناسان امور بین‌الملل، فرایند یکپارچگی مردم جهان در زمین واحد است. به نحوی که هیچ حادثه و رخدادی در هیچ نقطه‌ای نمی‌تواند محلی و کم اهمیت تلقی شود. جهانی شدن با مفهوم و کارکردهای امروزی آن پدیده‌ای است کاملاً جدید و در واقع مبنای شکل‌گیری دوره جدیدی از تاریخ بشر محسوب می‌شود.

با توسعه و گسترش وسایل ارتباطی از قبیل اینترنت و ماهواره، نوعی تنیدگی جهانی و ارتباط تنگاتنگ جوامع بشری بوجود آمده است. جهانی شدن حقوق، حداقل در برخی از حوزه‌ها من جمله حقوق بشر و فرآیند شکلی مرتبط با آن، به عنوان یک واقعیت مسلم، در حال روی دادن است. اندیشه جهانی بودن قواعد و هنجارهای حقوقی، یا به تعبیر دیگر محدود نبودن قواعد و هنجارهای حقوقی به قلمرو سرزمینی و افراد معین داخل در آن، اندیشه بی‌سابقه و نوپیدا نیست؛ این اندیشه ریشه در تايخ کهن بشر دارد.

۱-۳- تحولات اجتماع در بروز پدیده جهانی شدن و فرآیند قواعد بین‌الملل

واقعیت مسلم آن است که دنیا تا چند دهه اخیر در برخورد با معضلات و مشکلات خانمان برانداز و ضد بشری، در حوزه‌ی حقوق بین‌المللی دچار هرج و مرج و بی‌قاعدگی بوده و صاحبان قدرت در دنیا نسبت به اتباع خود و سایر کشورها به هر نحوی که مایل بودند عمل می‌نمودند و هیچ نوع الزامی را در روابط بین‌المللی خود نمی‌پذیرفتند و فقط وقتی خود را ملزم می‌دانستند که رضایت و اراده‌ی قبلی خویش را بر پذیرش الزام نشان می‌دادند. اما در سال‌های اخیر و از زمان تشکیل جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول جهانی، تابعین جامعه جهانی بویژه دولت‌ها، به منظور دستیابی به اهداف مشترک، مکلف به پذیرش قواعد و اصولی الزام‌آور در سطح بین‌المللی شده‌اند. قواعدی که برخی آن‌ها را قواعد حقوقی «اجماع محور» نامیده‌اند (کرونین^۲، ۲۰۰۵، ۳۱۵).

این قواعد، توانایی تحمیل اصول و هنجارهای جهانی را بر دولت‌ها صرفنظر از عضویت آن‌ها در معاهده‌هایی خاص دارند، همان قواعدی که دورکیم در سطح جوامع داخلی آن‌ها را الزامات زندگی جمعی یا احساسات عمومی می‌نامد.

دلیل الزام آور بودن برخی از هنجارهای جهانی، موضوع، گستره و غایت آن‌ها است، یعنی موضوعاتی که با ذات انسان و جامعه انسانی مربوط می‌شوند. جامعه جهانی همانند هر جامعه‌ای واجد یک سری ارزش‌های اساسی است که نقض و نادیده گرفتن آن‌ها از لحاظ فلسفه‌ی سیاسی مقبول و مطلوب، متولیان امور بشریت در محدوده‌ی مرزها هستند و اعمال آن‌ها باید متناسب با خواسته‌های ملت‌ها و منطبق بر حقوق آن‌ها باشد. در غیر این صورت مسلماً حکومت، مشروعیت دموکراتیک خود را از دست داده و به سمت و سوی، سراسیمگی و سقوط رهنمون می‌گردد. با عنایت به نسبیّت فرهنگی و اجتماعی و به دلیل اینکه برخی از حقوق بشری مختص جامعه ویژه‌ای بوده و فقط در آن جامعه لازم‌الاجرا هستند، مسلماً «جهانی‌سازی» این بخش را شامل نشده و دخالتی در آن ندارد. ولی حداقلی از استانداردها و معیارهای مشترک بشری وجود دارند که در هر جامعه انسانی رعایت و اطاعت از آن‌ها بدون شک و شبهه مورد پذیرش قرار می‌گیرد. جهانی‌سازی تحمیلی به دنبال نهادینه‌سازی حقوقی مشترکات مذکور در جوامع بشری است. همانند مسائل مربوط به حقوق بشر، محیط زیست، روابط تجاری و غیره. این مشترکات همان «قواعد بنیادین» هستند که هیچگونه انحرافی را نپذیرفته و بر دولت‌ها تحمیل می‌گردند (ذاکریان، ۱۳۸۱، ۸۳).

وقتی از جهانی شدن سخن به میان می‌آید، در حقیقت، جهان مانند یک دهکده‌ی جهانی فرض می‌شود که مرزهای جغرافیایی در آن حذف شده و محدودیتی وجود ندارد. زیرا اقتصاد، فرهنگ و تکنولوژی سریع ارتباطات، مرز پذیر نیستند و حتی در دنیای معاصر و با فناوری‌های جدید آن، تلاش در جهت محصور نمودن آن‌ها نیز محکوم به شکست خواهد شد.

لذا باز تعریفی از اصولی همچون «صلاحیت سرزمینی» با توجه به پیدایش اصولی همچون «صلاحیت جهانی» ضرورت حقوقی فعلی سیستم‌های متعدد جهان محسوب می‌گردد. به همین دلیل است که برخی از نویسندگان از جهان بدون مرز سخن گفته و معتقدند که در دنیای امروزی دیگر هیچ منفعت ملی خالص وجود ندارد (شلتون^۱، ۲۰۰۲، ۲۷۵).

ملاحظه اصول و اهداف اساسی مورد حمایت سازمان ملل متحد تأسیسی در سال ۱۹۴۵ نیز به روشنی حاکی از غلبه تفکر و دیدگاه سرزمین زدایانه، حداقل در موضوعات اساسی مربوط به نوع بشر و تشکیل دهندگان اصلی جامعه جهانی می‌باشد.

۲- الگوها و بازخوردهای پدیده جهانی شدن

به طور کلی می‌توان دو گرایش عمده در جریان جهانی شدن حقوق را برشمرد؛ نخست گرایشی آرامان‌گرا که خواستار «یکسان‌سازی» (unification) قوانین و مقررات در همه کشورهاست.

انتخاب این استراتژی معمولاً با مقاومت حاکمیت دولت‌ها و موانع سیاسی روبروست. گرایش دوم در پی «هماهنگ‌سازی» (Harmonization) قوانین است. در این استراتژی، قواعد حقوق داخلی در هر کشور متناسب با نظام قواعد حقوقی را در پی دارد و جستجوی هماهنگی، خود ممکن است تأیید «اختلاف» تلقی شود، اما هر اختلافی نیز در این استراتژی پذیرفته نیست. اختلافات از مرز مشخصی فراتر نمی‌رود و اصول، مشترک خواهد بود. بدین ترتیب یک نوع «تکثرگرایی حقوقی منظم» پذیرفته خواهد شد و یک نظام جهانی متکی به نظام‌های ملی (ونه جانشین نظام ملی) پی ریزی می‌شود.

در فرآیند جهانی شدن حقوق، ابتدا باید هنجارها و قواعد حقوقی مشترک به کمک حقوق تطبیقی کشف یا ابداع شوند. در پدیدار شدن قواعد مشترک، بیش از هر چیز نیازها و ضرورت‌های مشترک زیست بین‌المللی بشری تأثیرگذار است. در این مرحله حقوق بین‌الملل از طریق سازمان‌های بین‌المللی یا تدوین معاهدات، بستر لازم برای پیشرفت جهانی شدن حقوق را فراهم می‌آورد. در مرحله دوم هنجارهای مشترک از رهگذر نظام‌های حقوقی داخلی، به قوانینی برای نظام‌های حقوقی تبدیل می‌شود (آخوندی و جاهد، ۱۳۹۱، ۷).

۲-۱- یگانه سازی قوانین

پدیده جهانی شدن در دو بعد قابل بررسی است: نخست، در بعد هم‌گرایی و نزدیک‌تر شدن حقوق کیفری کشورها، و دوم به طرز روشن‌تر در بعد ظهور یک عدالت کیفری فراملی. یکسان‌سازی به دلیل تقابل با تفاوت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، امری استثنایی تلقی می‌شود. زیرا وحدت حقوق متأثر از عنصر حاکمیت ملی است و امکان تحقق آن در خصوص نهادها و بنیانهای حقوقی ممکن نمی‌باشد. (ردیر، ۱۳۷۱، ۱۳۶). بر همین اساس توسل به یکسان‌سازی جاه‌طلبانه‌ترین استراتژی است؛ زیرا مستلزم تصویب قواعد واحد و به تبع آنان التزام به رعایت این قواعد است.

بر این اساس توسل به سیاست یگانه‌سازی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که نظام‌های حقوقی مورد نظر مبتنی بر حاکمیت‌های مشابه و فرهنگ و آداب یکسان و حتی وضعیت اقتصادی مشابه باشند.

روشن است که چنین یگانه‌سازی در شرایط کنونی تنها در بخش‌های کاملاً محدودی، مثل مجازات جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت که در سکوت قوانین ملی یکباره در حقوق بین‌الملل تعریف شدند، میسر است و یا در مناطقی مثل اروپا که دارای هماهنگی نسبی هستند. در واقع اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با اتکاء بر این مفهوم که یک انسان به عنوان یک عضو خانواده بشری و نه صرفاً یک تبعه از کشور خاص به حساب می‌آید، جرائم علیه این انسان را در

هر مکان و زمانی به شرط مطابقت با مقررات ماهوی اساسنامه جرم و قابل مجازات می‌شناسد (نجفی ابرندآبادی و خزانی، ۱۳۸۳، ۲۷۱).

علاوه بر بازخورد یگانه‌سازی که در کلیت جرائم تعریف گردیده، از منظر حقوق کیفری شکلی می‌توان گفت، دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به جرائم موضوع اساسنامه، با در نظر گرفتن استاندارد واحدی به نام دادرسی عادلانه با بهره‌گیری از قواعد و سنن حقوقی دو نظام کامن‌لا و رومی ژرمنی، آیین دادرسی واحدی را به معرض اجرا گذاشته است.

۲-۲- هماهنگ‌سازی

مراد از هماهنگ‌سازی این است که مقررات ملی (داخلی) دولت‌ها نسبت به یکدیگر متفاوت باقی می‌مانند، لیکن تلاش می‌شود که این مقررات آنگونه به هم نزدیک شوند که با هم سازگار شوند. در واقع در این شیوه ایجاد سازگاری و هم‌نوایی میان مقررات متفاوت نظام‌های مختلف، حول استانداردهای مورد توافق، هدف نهایی تلقی می‌شود و مقررات مختلف و احیاناً متضاد تا جایی که امکان داشته باشد، به هم نزدیک می‌شوند، بدون انتظار این که تفاوت‌ها به کلی از میان برداشته شود. با این حساب هماهنگ‌سازی یعنی تقارب نظام‌های حقوقی؛ در حالی که قواعد به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند، می‌توانند متفاوت باقی بمانند.

در هماهنگ‌سازی، جهانی شدن حقوق کیفری شکلی، براساس اصول راهبردی و مشترک به پیش می‌رود. موضوعات مربوط به حقوق بشر و تبلور آن در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌تواند بهترین ابزار جهت شروع هماهنگ‌سازی باشد. استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در بیش از هفتاد میثاق، کنوانسیون و پیمان مورد پیش‌بینی و لحاظ قرار گرفته است. این استانداردها که بیانگر یک سطح حداقلی از حقوق مشترک و همسان می‌باشد، می‌تواند مبنای مناسبی جهت هماهنگ‌سازی در عرصه حقوق کیفری شکلی باشد.

۳- آموزه‌های جهانی شدن در حقوق کیفری

حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق داخلی که علاوه بر بیان ارزش‌های اساسی هر جامعه، یکی از ارکان اعمال حاکمیت دولت‌ها به شمار می‌آید، هر چند در گذشته فقط وظیفه نگهبانی از ارزش‌های داخلی را برعهده داشته است، اما امروزه وظیفه صیانت از ارزش‌های مشترک جهانی را نیز برعهده گرفته است.

آموزه‌های حقوق بشری با جنبه جهانی، در زمینه دادرسی عادلانه و حمایت از حقوق بزهکاران و اشخاص ناکرده بزه نیز مورد توجه قرار گرفته است و باعث گردیده تا این موضوعات به ارزش‌های مشترک جهانی تبدیل گردند. به این ترتیب، امروزه جهان شمولی حقوق کیفری برای

تأمین حقوق و آزادی‌های افراد و رعایت حداقل اصول و موازن حقوق بشری به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل گردیده است.

به اعتقاد آقای ژان پرادل، آئین دادرسی کیفری با یک گرایش سه گانه که همانا تأکید بر آزادی، انصاف و کارایی یا مؤثر بودن است، شکل گرفته است. این سه اصل در همه کشورهای دنیا قابل مشاهده است و تحت تأثیر جهان شمولی، حقوق کیفری بعد جهانی یافته است. (پرادل، ۱۳۸۳، ۱۵۹).

هر چند جهانی شدن حقوق کیفری به راحتی از سوی دولت‌ها مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد، اما خصیصه فرامرزی و جهانی شدن جرائم، حقوق کیفری با همین ویژگی‌ها را اقتضاء می‌نماید. در عرصه بین‌المللی نیز حقوق بین‌الملل کیفری که وظیفه حفظ و صیانت از جامعه بین‌المللی را برعهده دارد، به دنبال ایجاد هماهنگی میان نظم عمومی داخلی و نظم عمومی بین‌المللی است (توحیدی فرد، ۱۳۸۰، ۴۶ به نقل از گلدوست جویباری و باقری نژاد، ۱۳۹۲، ۷۰۷).

۴- حقوق بین‌الملل در فرآیند جهانی شدن

حقوق بین‌الملل کارآمدترین وسیله‌ای است که نقش عمده‌ای در روند جهانی شدن حقوق کیفری ایفا نموده است. معاهدات بین‌المللی درباره حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حوزه‌های مختلف حقوق کیفری و نهایتاً تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، حقوق ملّی را به واکنش در جهت هماهنگ‌سازی قوانین داخلی با این معاهدات واداشته است. توجه دولت‌ها به «اصل حاکمیت ملّی» و پذیرش «صلاحیت تکمیلی» برای دیوان بین‌الملل کیفری سبب شده، کشورها از یک سو مشارکت فعالی در ایجاد این دادگاه بین‌المللی داشته و از سوی دیگر برای در امان ماندن از پیامدهای منفی، در قوانین داخلی خود تغییراتی ایجاد کنند.

۴-۱- معاهدات بین‌الملل

عوامل و راهکارهای مؤثر در جهانی شدن حقوق کیفری را گوناگون هستند که مهمترین و کارآمدترین روش در پذیرش جهانی شدن حقوق کیفری را باید در معاهدات بین‌المللی جستجو کرد.

تأملی در معاهدات بین‌المللی مخصوصاً معاهدات مربوط به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نشان می‌دهد، در اکثر این معاهدات، قواعدی از حقوق کیفری وضع شده که کشورها را ملزم می‌کند، حقوق داخلی خود را با توجه به مفاد معاهده اصلاح نمایند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۱، ۲۶۴-۲۶۰).

۴-۱-۱- معاهده راجع به جلوگیری از نسل‌کشی و مجازات آن

این معاهده در سال ۱۹۴۸ تصویب شد. براساس ماده یک این معاهده، کشورهای عضو، تأیید و تصدیق نموده‌اند که «نسل‌کشی» چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، یک جنایت بین‌المللی است که باید از آن جلوگیری کرده و مرتکبانش مجازات شوند. و مقرر شده، متهمان نسل‌کشی در یک دادگاه صالح داخلی و یا «دادگاه کیفری بین‌المللی که طرف‌های متعاقد، صلاحیت آن را به رسمیت شناخته باشند»، محاکمه شوند.

۴-۱-۲- معاهدات حقوق بشر دوستانه ۱۹۴۹ ژنو

معاهدات چهارگانه حقوق بشر دوستانه عبارتند از: ۸- قرارداد راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردو کشی ۲- قرارداد راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا ۸- قرارداد راجع به معامله با اسیران جنگی ۱- قرارداد راجع به حمایت افراد کشوری (غیرنظامیان) در زمان جنگ.

۴-۱-۳- کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی

این کنوانسیون در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. ماده یک معاهده به تبیین و تشریح «تبعیض نژادی» پرداخته است. دول عضو را ملزم می‌سازد در برابر تبعیض نژادی، صلاحیت قضایی خود را اعمال و از افرادی که بدین وسیله حقوق بشری و آزادی‌های اساسی‌شان تهدید شده، حمایت نمایند.

۴-۱-۴- کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید

این کنوانسیون که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید، همانگونه که از نام آن پیداست، یک کنوانسیون کیفری با هدف الغا و مجازات سیاست‌های تبعیض نژادی است. آپارتاید را یک جنایت خلاف انسانیت (جنایت علیه بشریت) نامیده که «تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» به شمار می‌رود.

۴-۱-۵- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

واقعیت این است که «اقتصاد و حقوق بشر دو عامل اصلی جهانی شدن حقوق هستند» (دله، ۱۳۷۸، ۱۷).

معتقدان به جهان شمولی حقوق بشر می‌گویند که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل

می‌دهد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل است. بر همین اساس قواعد حقوق کیفری که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز مورد اشاره قرار گرفته، می‌تواند خود مصداقی از جهانی شدن حقوق کیفری باشد. منع بردگی، منع شکنجه، حمایت قانونی در برابر تبعیض، رجوع به محاکم ملی به دلیل تضییع حقوق اساسی، منع توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه، دادرسی منصفانه و علنی در اتهامات جزایی، اصل براءت و عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری شدیدتر، منع پناهندگی در جرائم عمومی و غیرسیاسی، منع محرومیت خودسرانه افراد از حق داشتن تابعیت و اعمال محدودیت‌ها بر اساس قانون دموکراتیک که در رأی اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گینه علیه کنگو مورد استناد و تفسیر قرار گرفته است^۱، از جمله موضوعاتی است که مستقیم یا غیرمستقیم با حقوق کیفری مرتبط بوده و در این میثاق مورد حمایت می‌باشد. بنابراین همپوشانی میان حقوق بشر و حقوق کیفری، از جهت جهانی بودن حقوق بشر خود از مصادیق جهانی شدن حقوق کیفری است.

۴-۱-۶- معاهدات مربوط به مواد مخدر و روانگردان

معاهده مربوط به مواد مخدر در سال ۱۹۶۱ در نیویورک تصویب شد. مطابق ماده ۳۶ این کنوانسیون، کشورهای عضو باید اقدامات خلاف معاهده را مانند کشت، تولید، ساخت، استخراج، ترکیب، نگاهداری، عرضه، به فروش گذاشتن، پخش، خرید، فروش، تحویل به هر عنوانی که باشد، دلالی، ارسال، صدور به طور ترانزیت، حمل و نقل، وارد کردن و صادر کردن مواد مخدر و... را جرم شناخته و مرتکبان را مجازات نمایند.

۴-۱-۷- کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملی پالمو^۲

طبق ماده ۱ این کنوانسیون که با امضا ۱۴۷ دولت و در سال ۲۰۰۰ تصویب شده، هر دولت عضو متعهد می‌شود اقدامات تقنینی لازم را برای «جرم‌انگاری» جرائم مذکور در کنوانسیون که به صورت بین‌المللی ارتکاب یافته باشد، انجام دهند. جرم‌انگاری پولشویی و ارتشاء و فساد مالی از این موارد است. همچنین معاهدات درباره جرم ارتشاء و فساد مالی به صورت مجزا نیز تصویب شده که از آن جمله، کنوانسیون مبارزه با فساد مصوب ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد است.

1. ICJ Reports, Affaire Ahmadou Sadio Diallo, Judgment, 30 November 2010

2. <http://www.unodc.org/adhoc/palermo/convmain.htm>

۴-۱-۸- تروریسم

جرائم تروریستی نیز موضوع چندین معاهده منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی بوده است.^۱ معاهده همکاری کشورهای مشترک‌المنافع ۱۹۹۹، کنوانسیون منطقه‌ای سارس ۱۹۹۷، کنوانسیون اتحادیه آفریقا مصوب ۱۹۹۹ الجزایر، همگی به عنوان مباره با تروریسم و کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری از حمایت مالی تروریسم ۱۹۹۹ سازمان ملل. همچنین با وصف اهمیت روزافزون این جرائم و تحولات جامعه جهانی، به نظر می‌رسد که احتمالاً دیوان بین‌المللی کیفری در آینده اختیار تعریف این جرم و جرم قاچاق مواد مخدر را داشته باشد.

از دیگر جرایمی که به صورت جهانی مورد موافقت کشورها قرار گرفته می‌توان از کنوانسیون حقوق کودک سال ۱۹۸۹ منع انتقال غیر قانونی کودکان، کنوانسیون منع بردگی سال ۱۹۲۶ و منع هر نوع عملیات بردگی، کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد که لزوم جرم شناختن کلیه اشکال شکنجه را در حوزه قوانین داخلی کشورها بین کرده، نام برد.

۴-۲- جرائم جهانی در فرآیند دیوان بین‌المللی کیفری

تأمین حقوق و آزادی‌های فردی، تضمین مقررات حقوق بشردوستانه، تعارض نظام‌های کیفری ملی، عدم اعتبار احکام بیگانه در کشورها، گسترش دامنه و قلمرو بزهکاری، بروز جرائم سازمان‌یافته بین‌المللی، عدم امکان استرداد مجرمان در بسیاری موارد، ارتکاب جرائمی که به کل جامعه بین‌المللی و نظم عمومی جهانی مربوط بوده و معمولاً به دلیل مصونیت غیرقابل توجیه مرتکبان آن‌ها، بدون مجازات می‌ماند و بالاخره جرائمی که صلح، امنیت و رفاه جهان را تهدید می‌کند و در مقدمه اساسنامه بین‌المللی کیفری به این موارد به خوبی اشاره شده، زمینه‌های کافی برای جهانی شدن حقوق کیفری را فراهم نموده است. این امر موجب تأثیرات متقابل میان حقوق داخلی و بین‌المللی گشته است؛ به نحوی که امروزه از یکسو دادگاه‌های ملی در ایجاد رویه‌ی قضایی برای دادگاه‌های بین‌المللی مؤثرند و وجود یک نوع «حقوق دادرسی کیفری بین‌المللی» اجتناب‌ناپذیر شده و از سوی دیگر، دادگاه‌های داخلی ناگزیرند تا معاهدات و موازین بین‌المللی را در نظر داشته و در موارد لزوم، به آن‌ها استناد کنند و حتی این معاهدات را «تفسیر قضایی» نمایند (فردیناندوس ۲۰۰۴ صفحه ۱۰۵۲ به نقل از توحیدی فرد، ۱۳۸۰، ۱۷).

بدونان که بخواهیم سیر تاریخی تأسیس دیوان را مورد بررسی قرار دهیم باید به اختصار گفت که پس از جنگ جهانی اول و دوم و جنایات گسترده جنگی اعم از کشتار شدید و نسل‌کشی و محاکمات اولیه دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو و سپس جنگ سرد و با توجه به کشتار فجیع و جنایت علیه بشریت در قلمرو یوگسلاوی سابق و رواندا در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ که به صورت

1. <http://untreaty.un.org/English/Terrorism.asp>

موقتی محاکمه کیفری بین‌المللی انجام گرفت، نهایتاً در سال ۱۹۹۸ دیوان تأسیس و چهار جرم جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، تجاوز و نسل‌کشی در صلاحیت آن قرار گرفتند.

۴-۳- اصل صلاحیت جهانی و آثار حاکم بر نظام کیفری

صلاحیت جهانی در شمار نهادهایی است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد و گاه آن‌ها را مکلف می‌کند که در مبارزه علیه جنایات بین‌المللی به موازات اقدامات دادگاه‌های بین‌المللی در این عرصه پیشگام باشند.

دولت‌ها می‌توانند بر پایه‌ی چنین صلاحیتی آمران و عاملان جنایات بین‌المللی را صرفنظر از محل وقوع این جنایات یا تابعیت جنایتکاران یا تابعیت قربانیان جرم تعقیب و مجازات کنند» (اردبیلی، ۱۳۹۶، ۱۴).

بدین سان، اصل صلاحیت جهانی نشان‌دهنده‌ی وجه اشتراک جامعه‌ی جهانی در اعلام انزجار از برخی اعمالی است که در گوشه و کنار جهان ارتکاب می‌یابند و احساسات همه‌ی افراد بشر را صرفنظر از تابعیت مرتکب، مجنی علیه و محل وقوع آن جریحه‌دار می‌سازند. ضرورت جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرمان و همچنین، تأمین و تضمین نظم عمومی بین‌المللی، از مهمترین مبانی ایجاد اصل مذکور محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، با ارتکاب جرم‌های جهانی نظیر دزدی دریایی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و غیره، نه فقط نظم عمومی کشور خاصی، بلکه نظم عمومی بین‌المللی مختل می‌شود. برای این منظور است که دولت‌ها از طریق قراردادهای و معاهده‌های چندجانبه متعهد می‌شوند که اگر مرتکبان یکی از این جرم‌ها در کشور آن‌ها دستگیر شد او را تعقیب و مجازات نمایند.

اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی نسبت به متهمان جرم‌های بین‌المللی را نباید با اصل همکاری دولت‌ها در مبارزه با جرم‌های بین‌المللی بی‌ارتباط دانست. اصل صلاحیت جهانی به هر یک از دولت‌ها اجازه‌ی تعقیب متهمان به ارتکاب جرم‌های بین‌المللی را می‌دهد که نه در قلمرو آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند، نه از اتباع آن‌ها هستند، نه به منافع حیاتی و اساسی آن‌ها تجاوز کرده‌اند و نه علیه اتباع آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند. شایان ذکر است که دیوان کیفری بین‌المللی زمانی صالح به رسیدگی به جرم‌های بین‌المللی است (صلاحیت تکمیلی) که دادگاه‌های داخلی «مایل» یا «قادر» به رسیدگی نباشند (ماده‌ی ۱۷ اساسنامه‌ی دیوان)؛ بنابراین، در وهله‌ی نخست این حق و شاید وظیفه دولت‌ها است که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتکاب جنایات بین‌المللی هستند، اعمال نمایند (الکساندر سیسیلیانوس، ۱۳۸۶، ۲۴۱-۲۲۵).

صلاحیت دیوان نسبت به صلاحیت کشورهای عضو «تکمیلی»^۱ است؛ بدین معنا که دیوان تنها در صورتی صلاحیت رسیدگی به جرائم را دارد که کشور صالح برای رسیدگی کیفری، «تواند» یا «نخواهد» اعمال صلاحیت کند. همچنین محاکمه قبلی مجرم یا متهم، چه به محکومیت و چه به تبرئه وی انجامیده باشد.

۴-۴- تأثیر صلاحیت دیوان در قوانین کشورها

آگاهی نسبت به این موضوع که دولت‌ها اهتمام ویژه‌ای به حفظ حاکمیت ملی خود، که آشکارا در حقوق کیفری متبلور است، دارند و توجه به تکمیلی بودن نظام دادرسی کیفری بین‌المللی نسبت به نظام‌های داخلی، موجب شده است اکثر دولت‌ها قوانینی در راستای هماهنگی با اساسنامه دیوان هم از نظر شکلی و هم ماهوی تدوین نمایند. در حقیقت صرف وجود دیوان، دولت‌ها را به پیگیری و مجازات جرائم ارتكابی در سرزمینشان یا توسط اتباعشان وا خواهد داشت چرا که در غیر این صورت دخالت دیوان بسیار محتمل خواهد بود.

اساسنامه رم تنها بر کشورهای عضو تأثیر نگذاشته، بلکه برخی کشورهای دیگر نیز تغییراتی در حقوق داخلی خود ایجاد کرده‌اند. شاید یکی از دلایل توجیه چنین رفتاری از سوی برخی کشورها این باشد که وقوع یک جرم توسط تبعه یک دولت عضو در سرزمین یک کشور غیرعضو، هم برای دولت متبوع مجرم که عضو دیوان است (صلاحیت شخصی)، هم برای دولتی که جرم در قلمرو آن واقع شده و عضو دیوان هم نیست (صلاحیت سرزمینی) و هم برای دیوان بین‌المللی (به نحو تکمیلی)، صلاحیت قضایی ایجاد می‌کند. کشورهایی که عضو دیوان نیستند نیز به همین سبب ناگزیر از جرم‌انگاری جرائم و ایجاد قوانین مورد نیاز برای رسیدگی به این جرائم هستند، در غیر این صورت کشور دیگر (عضو دیوان) بر اساس صلاحیت ذاتی خود می‌تواند به جرم رسیدگی نماید و طبق شرایط اساسنامه، دیوان نیز می‌تواند به این جرم رسیدگی کند. در این شرایط ارتكاب جرم در سرزمین یک کشور غیرعضو دیوان، موجب مصونیت مجرم نخواهد بود. بنابراین دولت‌ها ترجیح می‌دهند خود به چنین جرمی که در سرزمین آن‌ها روی داده است، رسیدگی نمایند.

نتیجه‌گیری

امروزه جهانی شدن حقوق کیفری در ابعاد ماهوی و شکلی، به عنوان یک فرآیند گسترده و چند جانبه، تمامی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده

۱. اصل مکملیت

است. از آنجا که تمامی این عرصه‌ها در عین حال تحت کنترل و نظم ناشی از حقوق ملی حاکم بر جوامع مختلف می‌باشد، بدیهی است تأثیرپذیری عرصه‌های پیش گفته از فرایند جهانی شدن، حقوق حاکم بر این عرصه‌ها را نیز متأثر ساخته و در آستانه تغییر و تحول قرار داده است و این امر بیشتر با رویکرد هماهنگ سازی قوانین کشورها امکانپذیر است.

لزوم حمایت از نظم بین‌المللی در پرتوی صلاحیت جهانی یا همگانی میسر است. مطابق این اصل، دولت‌ها حق تعقیب برخی از مجرمین را داخل قلمرو خود دارند، بدون توجه به این که جرم در کجا رخ داده و مجرم یا قربانی تبعه‌ی چه کشوری هستند. اصل صلاحیت جهانی بر این فرض مبتنی است که برخی از جرائم آن چنان در نظر همه‌ی افراد جامعه جهانی قبیح و قابل سرزنش محسوب می‌شوند که مرتکبین آن‌ها را می‌توان، دشمن همه ملل فرض کرد و بنابراین هر دولتی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمی را خواهد داشت. این اصل استثنایی بر اصل درون مرزی بودن حقوق جزا می‌باشد. رسیدگی به این گونه جرائم که در قالب جرائم جهانی نیز بعضاً تلقی می‌شود نیازمند آیین دادرسی کیفری مورد پذیرش جامعه جهانی است که در چهارچوب کلیات ناظر به قواعد مربوطه و در قالب اصولی مورد پذیرش قرار گرفته است که جامعه جهانی از آن به عنوان اصول مشترک و مورد قبول در یک دادرسی عادلانه و منصفانه و با حداقل مؤلفه‌های مورد قبول در راستای رفتار مجرمانه یاد می‌کند و بر همین مبنا قواعد ماهوی و تعریف جرائم جهانی و مقررات شکلی در رویکرد پدیده جهانی شدن، به دنبال هماهنگ‌سازی براساس اصول مد نظر و تغییر یا اصلاح هستند. جرائم مورد پذیرش در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نیز در راستای مفهوم جرائم جهانی به عنوان صلاحیت تکمیلی دیوان تلقی می‌شود تا چنانچه دولتی نخواهد یا نتواند به آن جرائم که تأثیر گسترده بر کل بشر و جامعه جهانی داشته، رسیدگی نماید هر چند که در برخی موارد نیز با ارجاع شورای امنیت سازمان ملل هم می‌توان به این جرائم رسیدگی کرد. در خصوص سایر جرائم نیز کشورها در قالب معاهدات بین‌المللی خود را جهت پاسخ کیفری مناسب با جرایمی که در فرآیند جهانی شدن در حال تغییر شکل هستند، مطابقت می‌دهند.

منابع

- آخوندی، م. و جاهد، م. (۱۳۹۱). حقوق جهانی. از تئوری تا عمل. با تاکید بر جهانی‌شدن حقوق بشر. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۶، ۲۶-۱.
- اردبیلی، م. (۱۳۹۶). نگهداری تحت نظر. در: علوم جنایی مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری. تهران. انتشارات سمت. چاپ هفتم
- اردبیلی، م. (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل کیفری. میزان.
- اردبیلی، م. (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی. جلد اول، چاپ بیست و چهارم، تهران: انتشارات میزان
- اردبیلی، م. (۱۳۹۱). صلاحیت جهانی. در حقوق بین‌الملل کیفری گزیده مقالات ۲. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- بیگ زاده ابراهیم. دولت و جهانی‌شدن حقوق، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۶.
- توحیدی فرد، م. (۱۳۸۰). فرآیند جهانی‌شدن حقوق کیفری. مجله مدرس علوم انسانی، دوره ۵، ش ۴.
- ذاکریان، م. (۱۳۸۱). حقوق بشر در هزاره جدید. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول. تهران.
- ساقیان محمد مهدی. به دنبال جهانی‌شدن حقوق کیفری. مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۱.
- ضیایی بیگدلی، م. (۱۳۸۱). حقوق بین‌الملل عمومی. گنج دانش.
- علوی محمد. مقدمه‌ای بر حقوق تطبیقی. تهران. دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ج. ا. ا. حقوق جهانی. از تئوری تا عمل با تاکید بر جهانی‌شدن حقوق بشر. پژوهش حقوق عمومی.
- گلدوست جویباری، ر. و باقری نژاد. ز. (۱۳۹۲). اصول بنیادین دادرسی کیفری در بستر جهانی‌شدن حقوق. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۲، ۷۱۶-۶۸۱.
- نجفی ابرندآبادی و خزانی. (۱۳۸۳). درآمدی بر پیش نویس قانون بین‌الملل جزا. مجله حقوقی، شماره ۱۸، ۲۷۱.
- هنجنی سید علی. مسئولیت دولت در عدم پیشگیری و مجازات جنایات بین‌المللی. مجله‌ی تحقیقات حقوقی. شماره ۴۶.
- Shaw, M. (2008). Towards a Theory of State. *State/Space: A Reader*, 117.
- Ferdinandusse, W. (2004). The Interaction of National and International Approaches in the Repression of International Crimes. *European Journal of International Law*, 15(5), 1041-1053.-
- Cronin, B. (). International Legalconsensus And The Control Of Global Governance No
- Shelton, D. (2002). Protecting Human Right In A Globalized World, Boston Collge. *Int And Com L.Rev.*, 25